

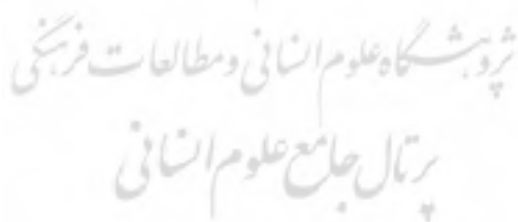
نگاهی نو به عملکرد سیاسی - اجتماعی دو قبیله اوس و خزرج در حکومت نبوی (ص)

مجتبی گراوند^۱، داریوش نظری^۲، سمیه بخشی زاده^۳

چکیده

اوس و خزرج دو قبیله ساکن یثرب بودند که بنا به اذعان منابع تاریخی قبل از حضور پیامبر(ص) در این شهر روابط خصمانه‌ای با یکدیگر داشتند. پس از هجرت پیامبر(ص) این دو قبیله تحت یک اصطلاح به نام انصار شناخته شدند؛ و از آن پس اقدامات این دو قبیله، بدون در نظر گرفتن سابقه تاریخی روابط آنها، در زمینه‌های مختلف در کنار یکدیگر و با نام انصار ثبت شد که همین مسئله به خودی خود باعث به وجود آمدن خلاء‌های بسیاری در بررسی و تحلیل وقایع تاریخی مرتبط با تاریخ صدر اسلام می‌شود. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی و تبیین داده‌ها و اطلاعات تاریخی سعی دارد عملکرد سیاسی - اجتماعی این دو قبیله را در مقابل حکومت اسلامی از ابتدا تا رحلت پیامبر (ص)، جدا از هم و بدون در نظر گرفتن اصطلاح انصار مورد بررسی قرار دهد. نتیجه و حاصل پژوهش حاضر، نشان دهنده همراهی بیشتر قبیله خزرج با پیامبر(ص) و حکومت اسلامی نسبت به قبیله اوس است.

واژگان کلیدی: پیامبر (ص)، انصار، مدینه، اوس، خزرج.



^۱ . استادیار تاریخ اسلام دانشگاه لرستان. garavand.m@lu.ac.ir

^۲ . استادیار تاریخ اسلام دانشگاه لرستان.

^۳ . دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه لرستان.

A new look at the political function of the two tribes of Ows and Khazraj in the Prophetic Government (pbuh)

Abstract:

Ows and Khazraj were two tribes living in the city of Yathrib who, according to historical sources, had a hostile relationship with the Prophet before the presence of the Prophet (PBUH). After the emigration of the Prophet (pbuh), these two tribes were known under the term Ansar; from then on, the actions of these two tribes, regardless of the historical background of their relations, were recorded in various fields alongside Ansar. Which in itself causes many gaps in the study and analysis of historical events associated with the early history of Islam. This research, using descriptive-analytical method and explanation of historical data and information, attempts to investigate the social political performance of these two tribes in the face of Islamic government from the beginning to the death of the Prophet, regardless of the terms of the Ansar. To give The results of this study indicate that Khazraj tribe is more closely associated with the Prophet (PBUH) and the Islamic state towards the Ows tribe.

Key words: Prophet (PBUH), Ansar, Medina, Ows, Khazraj.

مقدمه و مسئله پژوهش

مقارن حضور پیامبر (ص) در شهر یثرب، عرصه سیاسی - اجتماعی این شهر شاهد حضور سه گروه اوس، خزرج و یهودیان بود. اوسیان و خزرجیان ساکن در مدینه به شاخه‌ها و طوایف مختلفی تقسیم می‌شدند (ابن خلدون، ۱۳۶۳، ج ۲، ۳۴۴) و هر کدام از آنها به اشکال مختلف (صلح یا جنگ) با دیگر گروهها در ارتباط بودند. چگونگی ارتباط این شاخه‌ها و طوایف با یکدیگر را می‌توان در خلال منابع تاریخی دریافت اما جامع‌ترین گزارش در این مورد در کتاب الکامل ابن اثیر آمده است. ایشان سیزده درگیری میان دو قبیله اوس و خزرج با نامهای حرب سمیر، حرب کعب بن عمرو المازنی، یوم السّراه، حرب الحصین بن الأسلت، حرب ربیع الظّفری، حرب فارع، حرب حاطب، یوم الربیع، یوم البقیع، یوم الفجار الأوّل للأنصار، یوم معبّس و مضرّس، یوم الفجار الثانی للأنصار، یوم بعثت را گزارش کرده و به شرح آنها می‌پردازد (ابن اثیر، ۱۹۶۵، ج ۱، ۶۵۸-۶۸۴).

یعقوبی نیز سیزده درگیری را به این دو قبیله نسبت داده و آن‌ها را این چنین بر می‌شمرد: «روز صفینه، روز سراره، روز وفاق بنی خطمه، روز حاطب بن قیس، روز حضیر الکتاب، روز اطم بنی سالم، روز ابتروه، روز بقیع، روز بعثت، روز مضرّس، معبّس، یوم الدار، روز بعثت آخر، روز فجار الانصار. « (یعقوبی، بی تا، ج ۲، ۳۷). آخرین جنگ، از این سلسله جنگ‌های جاهلی، که در میان آنها به وقوع پیوست جنگ «بعثت» بود؛ که در آن اوسی‌ها بر خزرجی‌ها پیروز شدند (ابن هشام، بی تا، ج ۱، ۵۵۵-۵۵۶). این جنگ‌ها موجب کشته شدن بسیاری از اشراف و بزرگان اوس و خزرج شده، آنها را به شدت از پا درآورده بود. پس از حضور پیامبر (ص) در شهر یثرب تغییراتی در ساختار سیاسی - اجتماعی این شهر صورت گرفت. نخست آنکه قبایل قحطانی اوس و خزرج رهبری پیامبر (ص) را پذیرفتند؛ و در قالب یک گروه به نام انصار شناخته شدند. یهودیان نیز بر اثر سه غزوه بنی‌قینقاع، بنی‌نضیر و بنی‌قریظه قدرت خود را از دست داده؛ از صحنه رقابت‌های سیاسی کنار زده شدند. دو گروه جدید به نام‌های مهاجرین و منافقین نیز در عرصه سیاسی - اجتماعی شهر پدیدار گشتند.

آنچه در این پژوهش مد نظر است؛ اصطلاح انصار، جمع کلمه ناصر و نصیر، برگرفته از ریشه (ن.ص.ر) است؛ که به مفهوم کمک کردن، یاری رساندن و دستگیری کردن است (فراهیدی، ۱۳۷۲، ۸۰۸). این واژه از اصطلاحات مشهور تاریخ صدر اسلام است و در قرآن و بسیاری از متون روایی، تاریخی و تفسیری به کار رفته است. بعد از شکل‌گیری و کاربرد این اصطلاح با وجود اختلافات بسیار میان دو قبیله اوس و خزرج، در همه منابع تاریخی آنها به این نام خوانده شده و اقدامات و عملکردشان در زمینه‌های مختلف در ذیل این اصطلاح به ثبت رسید.

مسئله اصلی پژوهش حاضر، این نکته است که دو قبیله اوس و خزرج که در دوران قبل از هجرت پیامبر (ص) همواره در نزاع و دشمنی به سر می‌بردند آیا با ورود پیامبر (ص) و پذیرفتن اسلام

اختلافات را به صورت کامل کنار گذاشته در کنار یکدیگر قرار گرفته و یک گروه واحد را تشکیل دادند؟ و به یک اندازه در تحولات سیاسی - اجتماعی دوره های مختلف تاریخ اسلام نقش داشتند؟ پژوهش ذیل به دنبال یافتن پاسخ این سوال نقش انصار در تحولات سیاسی - اجتماعی دنیای اسلام را از آشنایی آنان با پیامبر(ص) تا وقایع پس از رحلت ایشان مورد بررسی قرار می‌دهد تا از این طریق پاسخگوی سوال فوق در این بازه زمانی باشد.

پیشینه پژوهش

انصار به دلیل اقدامات و نقش آفرینی پر رنگ خود در تحولات تاریخ اسلام همواره مورد توجه مورخان و پژوهشگران قرار گرفته؛ و آثار پژوهشی چندی در مورد آنان به رشته تحریر درآمده است. از جمله این آثار عبارتند: انصار و گرایش آنان به تشیع (محرمی، ۱۳۸۵)، نقش انصار در جنگ های دوران امیر مؤمنان(طالقانی، ۱۳۸۷)، انصار و امیرمؤمنان (ع) (طالقانی، ۱۳۸۷)، نقش انصار در جنگ های رده (ابراهیم خراسانی پاریزی؛ احمد بادکوبه، ۱۳۸۹) اما آنچه که پژوهش حاضر را از پژوهش های از این دست مجزا می‌کند علاوه بر عنوان و دوره زمانی مورد مطالعه رویکرد این پژوهش نسبت به بررسی عملکرد انصار در قالب دو قبیله اوس و خزرج است و با در نظر گرفتن سابقه نزاع و درگیری میان آنها، در پی یافتن عملکرد سیاسی هر یک از این قبایل به صورت مجزا، از آشنایی با پیامبر(ص) تا تحولات مقارن با رحلت آن حضرت می‌باشد.

عملکرد سیاسی - اجتماعی دو قبیله اوس و خزرج در مقابل پیامبر(ص) قبل از هجرت

حضور پیامبر (ص) در شهر یثرب در پی دعوت اهالی این شهر از ایشان بود. اهالی یثرب طی سه مرحله ملاقات با پیامبر (ص) از ایشان خواستند مکه را به مقصد شهر آنان ترک کنند. نخستین بار شش تن از اهالی این شهر با پیامبر (ص) ملاقات کردند؛ که این ملاقات زمینه ساز بسته شدن دو پیمان عقبه اول و عقبه دوم و سپس هجرت مسلمانان به یثرب شد. بنا بر اذعان منابع تاریخی، اسعد بن زراره، رافع بن مالک، عقبه بن عامر، عوف بن حارث، جابر بن عبدالله و قطبه بن عامر نخستین کسان از شهر یثرب بودند که به سخنان پیامبر (ص) گوش فرا داده آنها را مورد تأیید قرار دادند(ابن هشام، بی تا، ج ۱، ۴۲۸). تمام افراد این گروه شش نفره متعلق به قبیله خزرج بودند؛ و کسی از اوسیان در میان آنها حضور نداشت.

پیمان عقبه اول نیز میان پیامبر (ص) و دوازده تن از مردم شهر یثرب بسته شد. در این بیعت شرط جنگ وجود نداشت؛ زیرا تا به آن روز رسول خدا صلی الله علیه و آله مأمور بجنگ با کفار و مشرکین نشده بود. تنها شروط بیعت این افراد با پیامبر (ص) از این قرار بود که: برای خدا شریکی قائل نشوند، دزدی نکنند، مرتکب زنا نشوند، فرزندان خود را نکشند، بهتان و افترا نزنند و در کارهای نیک نافرمانی آن حضرت را نکنند. چون شروط این بیعت، نظیر بیعتی بود که پیغمبر خدا با زنان می‌کرد؛ به همین دلیل به بیعت النساء نیز مشهور شد (طبری، ۱۹۶۷، ج ۲، ۳۵۶). پیامبر

(ص) همراه با این گروه مصعب بن عمیر بن هاشم بن عبد مناف را به مدینه فرستاد تا قرآن و دستورات اسلام را به آنها بیاموزد. اما این افراد چه کسانی بودند. ابن هشام در کتاب السیره النبویه آنها را اینگونه معرفی می‌کند (ابن هشام، بی تا، ج ۱، ۴۲۹).

از قبیله خزرج و وابستگان آنها: اسعد بن زراره، عوف بن حارث بن رافعه، معاذ بن حارث بن رفاعه، رافع بن مالک، ذکوان بن عبد قیس، عقبه بن عامر، قطبه بن عامر، عباد بن صامت، ابو عبدالرحمن یزید بن ثعلبه و عباس بن عباد.

از قبیله اوس و وابستگان آنها: ابوالهیثم بن تیهان^۱ و عویم بن ساعده مصعب، که بعد از رفتن به یثرب موفقیت زیادی در دعوت مردم این شهر به اسلام نصیبش شده بود؛ پس از چندی به مکه باز گشت. چون موسم حج آن سال رسید، گروهی از مسلمانان نیز به همراه کاروانهای شهر یثرب به مکه آمدند (ابن هشام، بی تا، ج ۱، ۴۳۸). بدین شکل زمینه ایجاد پیمان عقبه دوم نیز مهیا شد. پیمان عقبه دوم از بعضی جهات با پیمان عقبه اول متفاوت بود. این پیمان با حضور افراد بیشتری از گروه انصار بسته شد. آنها رسماً از رسول خدا خواستند مکه را ترک کرده به شهر یثرب نقل مکان کنند. عباس بن عبدالمطلب، عموی پیامبر (ص)، نیز در ضمن شروطی دعوت کنندگان را مقید به دفاع از آن حضرت کردند (یعقوبی، بی تا، ج ۲، ۳۸؛ ابن هشام، بی تا، ج ۱، ۴۴۱-۴۴۲؛ ابن سعد، ۱۹۹۰، ج ۱، ۱۷۲). به این ترتیب میان مسلمانان مکه و نومسلمانان شهر یثرب اتحاد نظامی برقرار شد. اسامی اصحاب عقبه دوم در کتاب السیره النبویه ابن هشام به شرح زیر آمده است (ابن هشام، بی تا، ج ۱، ۴۴۳-۴۴۴).

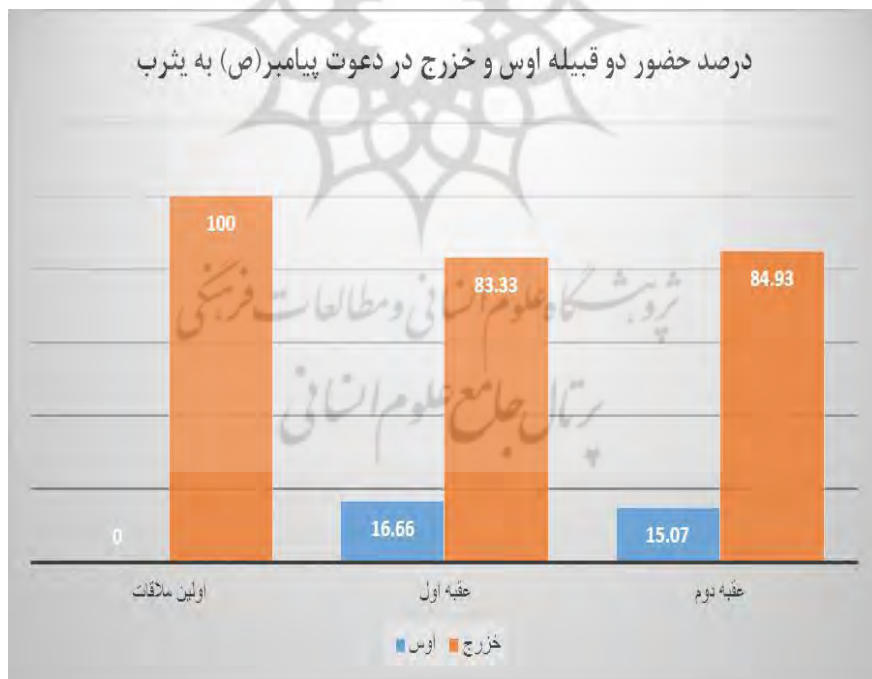
قبیله خزرج و وابستگان آنها: ابو ایوب بن زید، معاذ بن حارث، عوف بن حارث، معوذ بن حارث، عماره بن حزم، اسعد بن زراره، سهیل بن عتیک، اوس بن ثلبت، ابوطلحه بن سهل، قیس بن ابی صعصعه، عمرو بن غزیه، سعد بن ربیع، خارجه بن زید، عبدالله بن رواحه، بشیر بن سعد، عبدالله بن زید، خلاد بن سوید، عقبه بن عمرو بن ثعلبه، زیاد بن لبید، فروه بن عمرو، خالد بن قیس بن مالک، رافع بن مالک، ذکوان بن عبدالقیس، عباد بن قیس، حارث بن قیس، براه بن معرور، بشر بن براء بن معرور، سنان بن صیفی، طفیل بن نعمان، معقل بن منذر، یزید بن منذر، مسعود بن یزید، ضحاک بن حارثه، یزید بن حرام، جبار بن صخر بن امیه، طفیل بن مالک، کعب بن مالک، سلیم بن عمرو بن حدیده، قطبه بن عامر، یزید بن عامر، ابوالیسر (کعب بن عمرو)، صیفی بن سواد، ثعلبه بن غنمه، عمرو بن غنمه، عبس بن عامر، عبدالله بن انیس، عبدالله بن عمرو، جابر بن عبدالله، معاذ بن عمرو

^۱ - نام او مالک پسر بلی پسر عمرو پسر الحاف پسر قضاعه است و همپیمان قبیله عبد الاشهل است. موسی بن عقبه و محمد بن اسحاق و ابو معشر و واقدی همین نسب را برای او نقل کرده‌اند و عبد الله بن محمد بن عماره انصاری با آنان مخالف است و می‌گوید ابو الهیثم از اصل قبیله اوس است و نیاکان او به این شرح‌اند: تیهان پسر مالک پسر عمرو پسر زید پسر عمرو پسر حارث پسر خزرج پسر عمرو که معروف به نبیت است پسر مالک پسر اوس (ابن سعد، الطبقات الکبری، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، ج: ۴، ص: ۳۷۴)

بن جموح، ثابت بن حذع، عمیر بن حارث، خدیج بن سلامه، معاذ بن جبل، خالد بن عمرو، عبادہ بن صامت، عباس بن عبادہ، یزید بن ثعلبه، عمرو بن حارث بن لبدہ، رفاعہ بن عمرو، عقبہ بن وهب، سعد بن عبادہ و منذر بن عمرو.

قبیله اوس و وابستگان آنها: اسید بن حضیر، ابوالهیثم بن تیہان، سلمہ بن سلامہ، ظہیر بن رافعہ، ابو بردہ، نہیر بن ہیثم، سعد بن خیثمہ، رفاعہ بن منذر، عبداللہ بن جبیر، معن بن عدی، عویم بن سادہ.

همچنان که مشاهده می‌شود، از میان ۱۲ نفری که در پیمان عقبه اول حضور داشتند؛ ۱۰ تن از قبیله خزرج (۸۳.۳۳ درصد) و ۲ تن از قبیله اوس (۱۶.۶۶ درصد) بودند؛ و از ۷۳ نفر حاضر در پیمان عقبه دوم ۶۲ تن از قبیله خزرج (۸۴.۹۳ درصد) و ۱۱ تن از قبیله اوس (۱۵.۰۷ درصد) بودند. با توجه به مطالب فوق میتوان اذعان داشت که قبیله خزرج بیشترین نقش را در دعوت پیامبر (ص) به مدینه ایفا کردند. تمام کسانی که برای اولین بار پیامبر (ص) را ملاقات کرده، ایشان را تصدیق نمودند از قبیله خزرج بودند؛ و در دو پیمان عقبه اول و دوم نیز بیش از ۸۰ درصد بیعت کنندگان به این قبیله تعلق داشتند.



عملکرد سیاسی - اجتماعی دو قبیله اوس و خزرج در مقابل پیامبر(ص) بعد از هجرت

بعد از دعوت مردم شهر یثرب، به ویژه قبیله خزرج، از پیامبر (ص) مهاجران دسته دسته راهی این شهر شدند. شهری که از این پس مدینه‌النبی نامیده شد. انصار از همان ابتدا رسم مهمان نوازی را به جا آورده مهاجران را در خانه‌های خود جای دادند؛ و آنها را در مال و مایملک خویش شریک کردند. همچنان که با پیامبر (ص) پیمان بسته بودند؛ ایشان را در جنگ مقابل مشرکان و کفار یاری نمودند. اما در این زمان نیز میزان همراهی این دو قبیله با پیامبر (ص) متفاوت بود؛ که در ذیل این مطالب به چند مورد از آنها اشاره می‌شود.

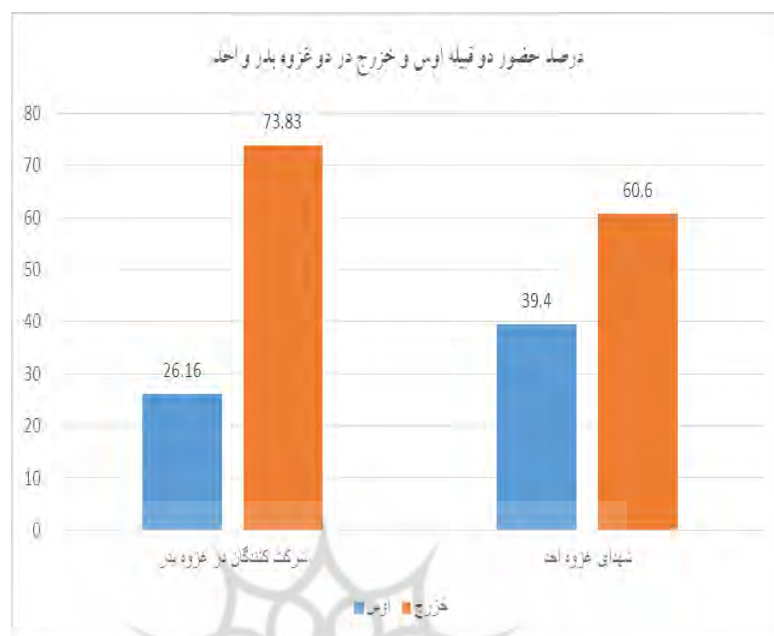
میزان همراهی در غزوات

بنا بر گزارش ابن سعد از غزوه بدر، که در سال دوم هجری رخ داد و نخستین رویاروی میان مسلمانان و مشرکان مکه بود، ۲۳۷ تن از انصار حضور داشتند (ابن سعد، ۱۹۹۰، ج ۳، ۱-۳۵۹). که از این تعداد ۱۷۵ تن (حدود ۷۳/۸۳ درصد) متعلق به قبیله خزرج و وابستگان این قبیله^۱ و ۶۲ تن

^۱ - أبو ایوب، ثابت بن خالد، عماره بن حزم، سراقه بن کعب، حارثه بن النعمان، سلیم بن قیس، سهیل بن رافع، مسعود بن اوس، أبو خزیمه بن اوس، رافع بن الحارث، معاذ بن الحارث، معوذ بن الحارث، عوف بن الحارث، النعمان بن عمرو، عامر بن مخلد، عبد الله بن قیس، عمرو بن قیس، قیس بن عمرو، ثابت بن عمرو، ابی بن کعب، انس بن معاذ، اوس بن ثابت، أبو شیخ، أبو طلحه، ثعلبه بن عمرو، الحارث بن الصمه، سهل بن عتیق، حارثه بن سراقه، عمرو بن ثعلبه، محرز بن عامر، سلیط بن قیس، أبو سلیط، عامر بن أمیه، ثابت بن خنساء، قیس بن السکن، أبو الأعور، حرام بن ملحان، سلیم بن ملحان، قیس بن ابی صعصعه، عبد الله بن کعب، أبو داود، سراقه بن عمرو، قیس بن مخلد، النعمان بن عبد عمرو، الضحاک بن عبد عمرو، جابر بن خالد، کعب بن زید، سلیم بن الحارث، سعید بن سهیل، سعد بن الربیع، خارجة بن زید، عبد الله بن رواحه، خلاد بن سوید، بشیر بن سعد، سماک بن سعد، سبیع بن قیس، عباد بن قیس، یزید بن الحارث، خبیب بن یساف، سفیان بن نسر، عبد الله بن زید، حرث بن زید بن عبد ربه، تمیم بن یعار، یزید بن المزین، عبد الله بن عمیر، عبد الله بن الربیع، عبد الله بن عبد الله، اوس بن خولی، زید بن ودیعه، رفاعه بن عمرو، معبد بن عباد، عباد بن الصامت، اوس بن الصامت، النعمان بن مالک، مالک بن الدخشم، نوفل بن عبد الله، عتبان بن مالک، ملیل بن وبره، عصمه بن الحصین، ثابت بن هزال، الربیع بن آیاس، وذقه بن آیاس، المنذر بن عمرو، أبو دجانة، أبو أسید الساعدی، مالک بن مسعود، عبد رب بن حق، عبد الله بن عمرو، خراش بن الصمه، عمیر بن حرام، عمیر بن الحمام، معاذ بن عمرو، معوذ بن عمرو، خلاد بن عمرو، الحباب بن المنذر، عقبه بن عامر، ثابت بن ثعلبه، عمیر بن الحارث، بشر بن البراء بن معرور بن صخر بن خنساء بن سنان بن عبید، عبد الله بن الجد، سنان بن صیفی، عتبه بن عبد الله، الطفیل بن مالک، الطفیل بن النعمان، عبد الله بن عبد مناف، جابر بن عبد الله بن رثاب بن النعمان بن سنان بن عبید، خلیل بن قیس، یزید بن المنذر، معقل بن المنذر، عبد الله بن النعمان، جبار بن صخر، الضحاک بن حارثه، سواد بن رزن، قطیبه بن عامر، یزید بن عامر، سلیم بن عمرو، ثعلبه بن غنمه، عبس بن عامر، أبو الیسر، سهل بن قیس، معبد بن قیس، عبد الله بن قیس، عمرو بن طلق، معاذ بن جبل، قیس بن محسن، الحارث بن قیس، جبیر بن آیاس، أبو عباد، عقبه بن عثمان، ذکوان بن عبد قیس، مسعود بن خلد، عباد بن قیس، أسعد بن یزید، الفاکه بن نسر، معاذ بن ماعص، عائذ بن ماعص، مسعود بن سعد، رفاعه بن رافع، خلاد بن رافع بن مالک، عبید بن زید، زیاد بن لبید، خلیفه بن عدی، فروه بن عمرو، خالد بن قیس، رخیله بن ثعلبه، رافع بن المعلی، هلال بن المعلی، عدی بن ابی الزغباء، ودیعه بن عمرو، عصیمه، أبو الحمراء، سواد بن غزیه، عصیمه، جبیر بن ابی بجیر، عبد الله بن عبس، عبد الله بن عرفطه، عقبه بن وهب، عامر بن سلمه، عاصم بن العکبر، المجذر بن ذیاد، عبده بن الحسحاس، بحاث بن ثعلبه، عبد الله بن ثعلبه، عتبه بن ربیع، عمرو

(حدود ۲۶/۱۶ درصد) متعلق به قبیله اوس و وابستگان آن بودند^۱. در غزوه احد نیز در میان انصار بیشترین یاری را خزرجیان به پیامبر (ص) رساندند. این امر به خوبی در لیست شهدای این جنگ که توسط ابن هشام ضبط شده قابل مشاهده است (ابن هشام، بی تا، ج ۲، ۱۳۱-۱۳۲). او تعداد شهدای انصار در این غزوه را ۶۶ تن ذکر می‌کند. که از این تعداد ۴۰ تن (حدود ۶۰/۶۰ درصد) از قبیله خزرج و وابستگان آنها^۲ و ۲۶ تن (حدود ۳۹/۴۰ درصد) از قبیله اوس و وابستگان آنها بودند^۳.

بن ایاس، زیاد بن کعب، ضمیره بن عمرو، بسبس بن عمرو، کعب بن جمار، تمیم مولی خراش، حبیب بن الأسود، حمزه بن الحمیر، عبد الله بن الحمیر، النعمان بن سنان، عنتره مولی سلیم بن عمرو بن حدیده بن عمرو بن سواد،^۱ - سعد بن معاذ، عمرو بن معاذ، الحارث بن اوس، الحارث بن انس، سعد بن زید، سلمه بن سلامه، عباد بن بشر، سلمه بن ثابت، رافع بن یزید، ابو عبس بن جبر، مسعود بن عبد سعد، قتاده بن النعمان، عبید بن اوس، نصر بن الحارث، میسر بن عبد المنذر، رفاعه بن عبد المنذر، ابو لبابه بن عبد المنذر، سعد بن عبید، عویم بن ساعده، ثعلبه بن حاطب، الحارث بن حاطب، رافع ابن عنجده، عبید بن ابی عبید، عاصم بن ثابت، معتب بن قشیر، ابو ملیل بن الأزعر، عمیر بن معبد، انیس بن قتاده، معن بن عدی، عاصم بن عدی، ثابت بن اقرم، زید بن اسلم، عبد الله بن سلمه، ربیع بن رافع، جبر بن عتیک، الحارث بن قیس، سهل بن حنیف، المنذر بن محمد، عبد الله بن جبیر، خوات بن جبیر، الحارث بن النعمان بن امیه بن البرک، ابو ضیاح، النعمان بن ابی خدمه بن النعمان بن ابی حذیفه بن البرک، ابو حنه، سالم بن عمیر، عاصم بن قیس، سعد بن خیمه، المنذر بن قدامه، مالک بن قدامه، الحارث بن عرفجه، تمیم مولی بنی غنم، محمد بن مسلمه، سلمه بن اسلم، عبد الله بن سهل، الحارث بن خزیمه، ابو الهیثم بن التیهان، عبید بن التیهان، ابو برده بن نیار، عبد الله بن طارق، معتب بن عبید، مالک ابن نمیله، نعمان بن عصر، ابو عقیل^۲ - عمرو بن قیس، قیس بن عمرو، ثابت بن عمرو، عامر بن مخلد، ابو هبیره بن حارث، عمرو بن مطرف، اوس بن ثابت، ایاس بن عدی، انس بن نصر، قیس بن مخلد، کیسان، سلیم بن حارث، نعمان بن عبد عمرو، خارجه بن زید، سعد بن ربیع، اوس بن ارقم، مالک بن سنان، سعید بن سوید، عتب بن ربیع، ثعلبه بن سعد، ثقف بن فروه، عبد الله بن عمرو، ضمیره، نوفل بن عبد الله، عباس بن عباد، نعمان بن مالک، مجذر بن زیاد، عباد بن حسحاس، رفاعه بن عمرو، عبد الله بن عمرو، عمرو بن جموح، خلاد، ابو ایمن، سلیم بن عمرو، عنتره، سهل بن قیس، ذکوان بن عبد قیس، عبید بن معلی، مالک بن ایاس، عمرو بن ایاس، عبد الله بن سلمه .^۳ - عمرو بن معاذ، حارث بن انس، عماره بن زیاد، سلمه بن ثابت، عمرو بن ثابت، - و برخی گفته‌اند پدرشان ثابت نیز کشته شد-، رفاعه بن وقش، حسیل بن جابر، یمان پدر حذیفه، صیفی بن قیظی، حباب بن قیظی، عباد بن سهل، حارث بن اوس، یزید بن حاطب، ابو سفیان بن حارث، حنظله بن ابی عامر، انیس بن قتاده، ابو حیه، عبد الله بن جبیر، حارث بن عدی، خیمه، سبیب بن حاطب، مالک بن نمیله، ایاس بن اوس، عبید بن تیهان (و برخی عتیک بجای عبید گفته‌اند)، حبیب بن یزید.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

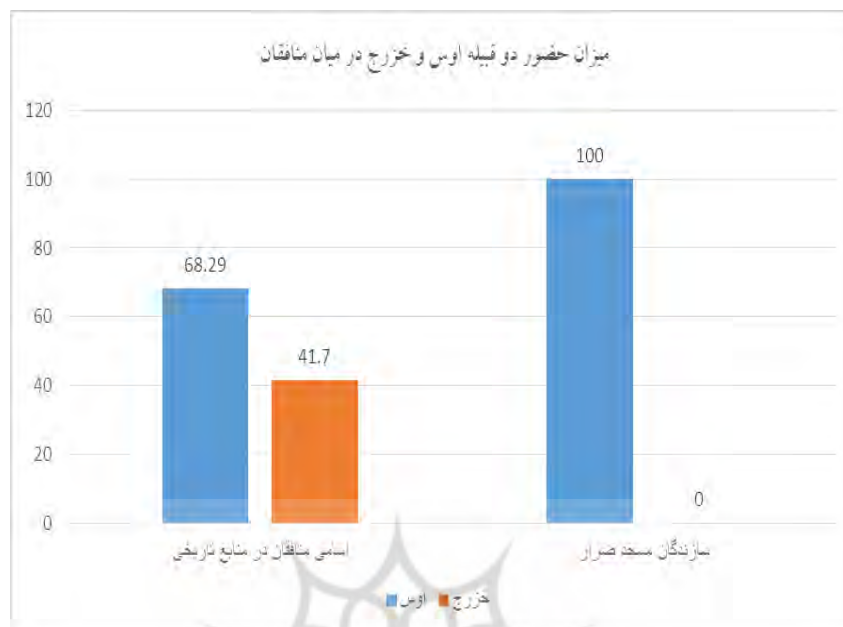
میزان مخالفت با پیامبر(ص)

با توجه به مطالب فوق می‌توان گفت که در دوران اقامت پیامبر (ص) در مدینه، نقش خزرجیان در یاری رساندن به آن حضرت و همچنین در برپای حکومت اسلامی بیش از اوسیان بوده است. این در حالی است که در برخی منابع تاریخی مانند: السیره النبویه (ابن هشام، بی تا، ج ۱، ۵۱۹-۵۲۷)، المحبر (بغدادی، بی تا، ۴۶۷-۴۷۰)، امتاع الاسماع (مقریزی، ۱۹۹۹، ج ۱۴، ۳۴۳-۳۴۸) و انساب الاشراف (بلاذری، ۱۹۹۶، ج ۱، ۲۷۴) لیست‌هایی از اسامی منافقان اوس و خزرج به چشم می‌خورد. این افراد را با توجه به پایگاه قبیله آنها می‌توان به شکل زیر معرفی نمود.

اسامی منافقان قبیله خزرج و وابستگان آنها: رافع بن ودیعه، زید بن عمرو، عمرو بن قیس، قیس بن عمرو بن سهل، سعد بن زراره، عقبه بن کدیم، جد بن قیس، عدی بن ربیعه، عبدالله بن ابی سلول، ودیعه، مالک بن ابی قوقل، سوید، داعس.

اسامی منافقان قبیله اوس و وابستگان آنها: جلاس بن سوید، حارث بن سوید، جاریه بن عامر، زید بن جاریه، مجمع بن جاریه، یزید بن جاریه، بجد بن عثمان، ابو حبیبه بن الازعر، ثعلبه بن حاطب، معتب بن قشیر، حارث بن حاطب، عباد بن حنیف، عمرو بن خدام، عبدالله بن نبتل، قیس بن زید، نبتل بن الحارث، زوی (دری) بن الحارث، ودیعه بن ثابت، خدام بن خالد، بشر بن زید، رافع بن زید، ضحاک بن ثابت، ضحاک بن خلیفه، حاطب بن امیه، بشیر بن ابرق، طعمه بن ابیرق، مربع قیضی، اوس بن قیضی. همچنان که مشاهده می‌شود از این لیست ۴۱ نفره ۲۸ نفر (۶۸.۲۹۲ درصد) از قبیله اوس و ۱۳ نفر (۳۱.۷۰۷٪) از قبیله خزرج می‌باشند.

اوج اقدامات منافقان علیه حکومت اسلامی ساخت مسجد ضرار بود؛ که به دستور پیامبر (ص) منهدم شد (مقریزی، ۱۹۹۹، ج ۲، ۷۶-۷۸؛ بلاذری، ۱۹۹۶، ج ۱، ۲۸۲-۲۸۳). بنا بر اذعان اکثر منابع مسجد ضرار در محل زندگی شاخه بنی عمرو بن عوف از قبیله اوس ایجاد شد. ابن هشام در کتاب سیره النبویه (ابن هشام، بی تا، ج ۲، ۳۳۴) و طبری در کتاب تاریخ خویش (طبری، ۱۳۷۵، ج ۴، ۱۲۴۲) بنیان‌گذاران این مسجد را دوازده تن دانسته؛ آنها را این‌گونه نام می‌برند: خدام بن خالد، ثعلبه بن حاطب، ابو حبیبه بن ازعر، عباد بن حنیف، جاریه بن عامر، مجمع بن جاریه، زید بن جاریه، نبتل بن حارث، بحزج، بجد بن عثمان، ودیعه بن ثابت و معتب بن قشیر. تمامی این افراد از قبیله اوس و یا وابستگان به این قبیله بودند.



میزان نگرانی در ارتباط با آینده حکومت اسلامی

فتح مکه نقطه عطفی در تاریخ اسلام به حساب می‌آید؛ چرا که با این فتح زمینه‌های شکل‌گیری یک حکومت متمرکز ایجاد شد. امری که اعراب ساکن منطقه جزیره‌العرب تا آن لحظه آن را تجربه نکرده بودند؛ و تنها وجود آن را در امپراطوری‌های بزرگ آن زمان، روم و ایران، به نظاره نشسته بودند. از این پس مبارزه بر سر قدرت محدود به شهری خاص نمی‌شد. این بار کانون‌های قدرت در شبه جزیره، باید سعی می‌کردند جایگاه خود را در این نظام سیاسی جدید به دست آورده؛ تثبیت کنند. انصار نیز از این امر مستثنی نبودند. روایت‌های تاریخی مربوط به غزوه حنین، نمونه‌ای از نگرانی این گروه از عاقبت خویش در نظام سیاسی جدید ارائه می‌دهند.

غزوه حنین بلافاصله بعد از فتح مکه روی داد. این غزوه میدان رویاروی مردم هوازن و ثقیف با سپاه اسلام بود (مقریزی، ۱۹۹۹، ج ۲، ۸؛ مقدسی، ۱۳۷۴، ج ۲، ۷۱). در این نبرد پیروزی از آن مسلمانان شد و آنها به غنائم بسیار دست یافتند. انصار هنگام تقسیم غنائم غزوه حنین، زمانی که با عملکرد پیامبر (ص) در بخشش این اموال به مؤلفه القلوبهم مواجه شدند؛ به روشنی راجع به جایگاه خود در نظام سیاسی جدید سؤال کردند. واقدی در کتاب المغازی خویش این واقعه را این چنین شرح می‌دهد: «گویند، چون پیامبر (ص) به قریش و برخی از قبائل عرب غنائم را تقسیم فرمود و برای انصار چیزی از غنائم منظور نشده بود، انصار رنجیده خاطر شدند و بگو مگو زیاد شد تا آنجا که یکی از ایشان گفت: حالا پیامبر (ص) با قوم خود دیدار کرده است، به هنگام جنگ ما و

یارانش تحمل سختی‌ها را می‌کنیم و به هنگام تقسیم غنایم قوم و خویش‌هایش بهره می‌برند، دوست داریم بفهمیم این دستور از کیست. اگر فرمان الهی است صبر خواهیم کرد، و اگر پیامبر خود چنین کاری کرده باشد سخت خواهیم گرفت. چون این خبر به پیامبر (ص) رسید سخت خشمگین شد، و هنگامی که سعد بن عباده آمد به او فرمود: قوم تو درباره من چه می‌گویند؟ گفت: ای رسول خدا، شما بگویید، چه می‌گویند؟ فرمود: گفته‌اند هنگام جنگ ما و یارانش همه کاره‌ایم و به هنگام تقسیم غنایم قوم و خویش‌هایش، و دوست می‌داریم بدانیم این دستور کیست. اگر فرمان الهی باشد صبر می‌کنیم و اگر خود پیامبر انجام داده باشد، سخت خواهیم گرفت. حالا عقیده تو در این مورد چیست؟ سعد گفت: ای رسول خدا من هم یکی از قوم خود هستم و دوست می‌داریم بدانیم این دستور از ناحیه کیست؟ پیامبر (ص) فرمودند: هر کس از انصار را که اینجا هستند در این چادر جمع کن! سعد بن عباده انصار را در آن چادر جمع کرد. «(واقعی، ۱۳۶۹، ۷۲۷-۷۲۸).

در این روایت چند نکته حائز اهمیت دیده می‌شود، و آن اینکه نماینده انصار معترض به پیامبر (ص) سعد بن عباده بزرگ قبیله خزرج بود، که در نتیجه می‌توان گفت این افراد عمدتاً از قبیله خزرج بودند. دیگر اینکه نگرانی آنها بیش‌تر از این ناحیه بود که می‌ترسیدند پیامبر (ص) قوم و قبیله خویش را بر آنها برتری دهد. آنان به هیچ عنوان برتری قریش بر خویش را بر نمی‌تابیدند؛ تا آنجا که اعلام می‌کنند اگر دستور از ناحیه خدا بوده؛ می‌پذیرند. اما اگر پیامبر (ص) قریش را بر آنان برتری داده در مقابلشان می‌ایستند. این موضع‌گیری پس از رحلت پیامبر (ص) نیز در میان انصار به ویژه قبیله خزرج مشاهده می‌شود.

مهم‌ترین رویداد سیاسی که پس از رحلت پیامبر (ص) در جامعه اسلامی رخ داد؛ واقعه‌ای است که در تاریخ با نام «ماجرای سقیفه» نام بردار گشته است. تمامی روایت‌های برجامانده از سقیفه حاوی این پیام هستند که انصار به محض شنیدن خبر رحلت پیامبر (ص) به سوی سقیفه بنی ساعده، که متعلق به بنو ساعده بن کعب بن خزرج بن حارثه بن ثعلبه بن عمرو بود (یاقوت حموی، ۱۹۹۵، ج ۳، ۲۲۹). شتافتند تا در مورد جانشینی پیامبر (ص) تدبیری بی‌اندیشند. این خبر به گوش مهاجران رسید و آنها نیز خود را به سقیفه رساندند تا در این مورد با انصار صحبت کنند. در این زمان بنی‌هاشم و یاران علی بن ابی‌طالب، در کنار ایشان مشغول مراسم خاک‌سپاری پیامبر (ص) بودند. این روایت ساده از سقیفه که در اکثر منابع شیعی و سنی آمده است وجود سه جریان سیاسی انصار، مهاجر و بنی‌هاشم را در این برهه از زمان به تصویر می‌کشد.

اما منظور از انصار چه کسانی هستند؟ آیا موضع دو قبیله اوس و خزرج در مورد جانشینی پیامبر (ص) به یک شکل بود؟ آنچه که از روایت‌های برجای مانده از سقیفه به دست می‌آید، اینست که در این بازه زمانی خزرجیان به دنبال تعیین جانشین برای پیامبر (ص) بودند و نه اوسیان. محل تجمع انصار متعلق به قبیله خزرج بود؛ و شخصی که به عنوان کاندیدای جانشینی پیامبر (ص) انتخاب شد سعد بن عباده بزرگ قبیله خزرج بود. او در این مراسم به ایراد سخنرانی پرداخت (ابن اثیر،

۱۳۷۱، ج ۸، ۱۰؛ دینوری، ۱۳۸۰، ۲۰-۲۱؛ ابن ابی الحدید، ۱۳۶۷، ج ۳، ۱۴۱-۱۴۲). که متن آن بدین شرح می‌باشد.

«ای گروه انصار، شما در اسلام دارای سابقه‌ای هستید که برای هیچ یک از قبایل عرب چنین سابقه‌ای نیست. رسول خدا (ص) بیش از ده سال در میان قوم خویش بود، ولی از قوم او مگر عده‌ای اندک کسی به وی ایمان نیاورد. سوگند به خدا، قوم او بر این که مانع کار او شوند قادر نبودند. دین وی را شناختند و پیامبر را نیز نتوانستند از خود دور کنند. تا این که خداوند برتری را برای شما خواست و فضیلت را به سوی شما راند و به این نعمت «مخصوص» تان کرد و ایمان به خدا و به رسول او را روزی شما کرد. بلند مرتبگی را برای اصحاب رسول خدا (ص) و دینش قرار داد و جهاد را علیه دشمنانش بر شما واجب گردانید. شما بر کسی که از رسول خدا (ص) تخلف می‌کرد شدیدترین مردم بودید. تا این که مردم از روی رضا و رغبت و یا از روی ناچاری و کراهت به دین اسلام وارد شدند. به واسطه سعی و تلاش شما آنان ریسمان خواری و مذلت بر گردن آویختند و در حالی که در کار خود شکست خورده بودند تسلیم شدند و به فرمان خدا، این سرزمین برای شما و رسول خدا (ص) ثابت و برقرار ماند. عرب به واسطه شمشیرهای شما در برابر پیغمبر خوار و کوچک شد. پیامبر (ص) به هنگام رحلت از شما راضی بود و شما روشنی چشم او بودید. دست‌هایتان را محکم به کار خلافت بگیرید زیرا شما سزاوارترین مردم به کار خلافت هستید.» (دینوری، ۱۳۸۰، ۲۰-۲۱)

سعد بن عباد در این سخنرانی خدماتی را که انصار برای گسترش اسلام انجام داده بودند برمی‌شمارد. او مقام انصار را بالاتر از مهاجر و سایر قبایل عرب دانسته خلافت را شایسته آنها می‌داند؛ و از انصار می‌خواهد این موقعیت را برای دست‌یابی به خلافت از دست ندهند. این گفته‌ها از یک سو نشان دهنده برتری طلبی انصار بر قریش و تفکر استحقاق آنها برای امر خلافت است؛ و از سوی دیگر ویژگی مانند داشتن سابقه خوب در راه گسترش اسلام را برای فرد جانشین پیامبر (ص) ضروری نشان می‌دهد. از این رو انصار خود را برای جانشینی پیامبر (ص) محق می‌دانستند. امری که ابن خلدون از آن این‌گونه تعبیر می‌کند: «آنان بدان سبب که پیامبر (ص) را مأوی داده و یاری کرده بودند، معتقد بودند که جانشینی پیامبر (ص) به آنان خواهد رسید.» (ابن خلدون، ۱۳۶۳، ج ۱، ۴۷۱).

یکی دیگر از سخنرانان این جمع حباب بن منذر خزرجی بود. او نیز به فضیلت و سبقت انصار در اسلام اشاره کرد؛ و اسلام آوردن اعراب به ویژه قریش را مرهون زحمات و فداکاری‌های آنان دانست. آن‌گاه گفته‌های سعد بن عباد مبنی بر تسلیم و انقیاد عرب در زیر سایه‌های شمشیر انصار را تأیید کرد؛ و حتی انصار را تحریک کرد که اگر قریش حاضر به تحمل سیادت انصار نشدند، آنان را از مدینه و سرزمین‌هایشان اخراج کنند. او همچنین اعلام کرد که اگر قریش به خلافت انصار رضایت

ندهند باید یک امیر از قریش و یک امیر از انصار انتخاب شود (طبری، ۱۳۷۵، ج ۴، ۱۳۴۵-۱۳۴۶؛ دینوری، ۱۳۸۰، ۲۳؛ ابن اثیر، ۱۳۷۱، ج ۸، ۱۹). بدین ترتیب راهکاری جدید برای چگونگی اداره حکومت اسلامی در پیش روی مسلمانان گذاشت. اما این راه کار به سرعت از سوی عمر بن خطاب با ذکر این جمله که «هرگز دو امیر با هم جمع نمی‌شوند» (ابن اثیر، ۱۳۷۱، ج ۸، ۱۹) یا «هرگز دو شمشیر در یک غلاف ننگند» (دینوری، ۱۳۸۰، ۲۳) رد شد.

بشیر بن سعد خزرجی نیز یکی دیگر از شخصیت‌های مؤثر در این مجلس بود. او از انصار خواست به خاطر یاری دادن پیامبر (ص) چشم داشتی به پادشاه‌های دنیوی و مقام خلافت نداشته باشند (طبری، ۱۳۷۵، ج ۴، ۱۳۴۷؛ ابن خلدون، ۱۳۶۳، ج ۱، ۴۷۱)؛ و این مقام را مختص خویشاوندان پیامبر (ص) دانست (ابن اثیر، ۱۳۷۱، ج ۸، ۲۰). بشیر در بیعت با ابوبکر از دیگران پیشی گرفت؛ و اولین کسی بود که با خلیفه نخست بیعت کرد (ابن خلدون، ۱۳۶۳، ج ۱، ۴۷۱؛ طبری، ۱۳۷۵، ج ۴، ۱۳۴۷-۱۳۴۸). همچنان که مشاهده می‌شود حضور خزرج در این اجتماع بسیار پررنگ‌تر از حضور قبیله اوس است. این امر در روایات مربوط به سقیفه به گونه‌ی مشهود است که بلعمی بیعت با ابوبکر را شکست خزرج می‌داند و این چنین می‌نویسد «و انصار یک یک ابو بکر را بیعت همی کردند؛ و قبیله خزرج خاص شکسته شدند از برای آنکه عزم کرده بودند از برای صاحب خود سعد بن عباد» (بلعمی، ۱۳۷۳، ج ۳، ۳۴۲). ابن اثیر نیز شکست انصار در سقیفه را شکست خزرج دانسته، خاطر نشان می‌کند «سعد و خزرج شکست خورده آنچه بر آن تصمیم گرفته بودند تباہ شد» (ابن اثیر، ۱۳۷۱، ج ۸، ۲۱).

این در حالی است که قبیله اوس نیز در سقیفه حضور داشتند. مهم‌ترین روایتی که از حضور آنها در این مجلس خبر می‌دهد نشان دهنده ترس آنها از کنار گذاشته شدن از عرصه قدرت توسط خزرجیان؛ و بیعتشان با ابوبکر است (ابن خلدون، ۱۳۶۳، ج ۱، ۴۷۲؛ دینوری، ۱۳۸۰، ۲۵؛ یعقوبی، بی تا، ج ۲، ۱۲۴). ابن قتیبه دینوری این روایت را بدین شکل نقل می‌کند: «قبیله اوس وقتی کار بشیر بن سعد را که از بزرگان قوم بود و همچنین تلاش خزرجیان را برای امیر کردن سعد بن عباد دیدند، بعضی از آنان به بعضی دیگر که اسید بن حضیر از آن جمله بود، گفتند: اگر فقط یک بار سعد بر شما امیر شود، هیچ فضیلتی و هیچ نصیبی از کار خلافت برای شما باقی نخواهد ماند. بنابراین برخیزید و با ابو بکر بیعت کنید. همگی برخاستند و با ابو بکر بیعت کردند» (دینوری، ۱۳۸۰، ۲۵).

بدین ترتیب می‌توان گفت که پس از رحلت پیامبر (ص) خزرجیان که خود را یاری دهندگان اصلی مسلمین می‌دانستند؛ به صورت فعال وارد عرصه رقابت سیاسی جامعه شدند. آنان جانشینی پیامبر (ص) را حق خود می‌دانستند؛ و بزرگ خود سعد بن عباد را برای این مهم برگزیده بودند. اما به دلیل بروز اختلاف در میان خود نتوانستند به هدف خویش برسند. این در حالی است که اوسیان در آن زمان رفتاری منفعلانه را در پیش گرفته بودند و تنها خواستار به خلافت رسیدن کسی بودند

که آنان را نیز در امر اداره حکومت شریک گرداند. آنان زمانی که با اختلاف میان خود خزرجیان و همچنین پیشنهاد ابوبکر مبنی بر اینکه امیران از قریش باشند و وزیران از انصار، رو به رو شدند. ترجیح دادند به ابوبکر بپیوندند.

نتیجه گیری

در مقام بررسی بررسی عملکرد سیاسی - اجتماعی انصار در حکومت اسلامی از ابتدا تا رحلت پیامبر(ص) و با در نظر گرفتن مطالب فوق می توان اینگونه نتیجه گرفت که عملکرد دو قبیله اوس و خزرج در این زمینه متفاوت بوده است؛ به شکلی در دوران مکی قبیله خزرج بیشترین نقش را در یاری رساندن به پیامبر(ص) و حکومت اسلامی ایفا کردند. تمام کسانی که برای اولین بار پیامبر (ص) را ملاقات کرده، ایشان را تصدیق نمودند از قبیله خزرج بودند؛ و در دو پیمان عقبه اول و دوم نیز بیش از ۸۰ درصد بیعت کنندگان به این قبیله تعلق داشتند و در این میان نقش قبیله اوس بسیار کم رنگ به نظر می رسد. پس از هجرت پیامبر(ص) نیز میزان حضور خزرجیان در میادین نبرد با مشرکان بیشتر از اوسیان است به شکلی که ۷۳/۸۳ درصد شهدای غزوه بدر و ۶۰/۶۰ درصد از حاضران در غزوه احد وابسته به این قبیله هستند اما در میان مخالفان پیامبر(ص) که با نام منافقان شناخته می شوند حضور اوسیان بیش از خزرجیان قابل مشاهده است؛ ۶۸.۲۹۲ درصد از لیست اسامی افرادی که در کتب تاریخی به عنوان اشخاص منافق شناخته می شوند متعلق به قبیله اوس می باشد. پس از رحلت پیامبر(ص) نیز خزرجیان، به صورت فعال وارد عرصه رقابت سیاسی جامعه شدند و نقش پررنگی در واقعه سقیفه ایفا کردند در حالی که اوسیان در آن زمان رفتاری نسبتاً منفعلانه را در پیش گرفتند.

منابع و مآخذ

- ابن ابی الحدید، ۱۳۶۷، **جلوه تاریخ در شرح نهج البلاغه**، ترجمه: دکتر محمود مهدوی دامغانی، تهران، نشر نی.
- ابن اثیر، عزالدین أبو الحسن علی بن ابی الکرّم، ۱۳۷۱، **کامل تاریخ بزرگ اسلام و ایران**، ترجمه ابوالقاسم حالت و عباس خلیلی، تهران، مؤسسه مطبوعاتی علمی.
- ابن اثیر، عزالدین أبو الحسن علی بن ابی الکرّم، ۱۹۶۵، **الکامل فی التاریخ**، بیروت، دار صادر - دار بیروت.
- ابن خلدون، عبد الرحمن بن محمد، ۱۳۶۳، **العبر تاریخ ابن خلدون**، ترجمه عبد المحمد آیتی، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، چ اول.
- ابن سعد، محمد، ۱۹۹۰، **الطبقات الکبری**، تحقیق محمد عبد القادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمیة، ط الأولى.
- ابن هشام، بی تا، **السیرة النبویة**، تحقیق مصطفی السقا و ابراهیم الأبیاری و عبد الحفیظ شلبی، بیروت، دار المعرفة.
- بغدادی، ابو جعفر محمد بن حبیب بن امیة الهاشمی، بی تا، **المحبر**، تحقیق ایلزۀ لیختن شتیتز، بیروت، دار الآفاق الجدیة.
- بلاذری، أحمد بن یحیی بن جابر، ۱۹۹۶، **جمل من انساب الأشراف**، تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت، دار الفکر، ط الأولى.
- بلعمی، ۱۳۷۳، **تاریخنامه طبری**، تحقیق محمد روشن، تهران، البرز.
- خراسانی پاریزی، ابراهیم؛ بادکوبه، احمد، ۱۳۸۹، **نقش انصار در جنگ های رده**، مجله: فقه و تاریخ تمدن ملل اسلامی، شماره ۲۵، ص ۴۰ تا ۶۶.
- دینوری، ابن قتیبة، ۱۳۸۰، **امامت و سیاست**، ترجمه سید ناصر طباطبایی، تهران، ققنوس.
- طالقانی، سعید، ۱۳۸۷، **انصار و امیرمؤمنان (ع)**، مجله: تاریخ اسلام در آینه پژوهش «، شماره ۱۷، ص ۸۱ تا ۱۱۰.
- طالقانی، سعید، ۱۳۸۷، **نقش انصار در جنگ های دوران امیر مؤمنان**، مجله: تاریخ اسلام در آینه پژوهش، شماره ۲۰، ص ۸۹ تا ۱۲۲.
- طبری، محمد بن جریر، ۱۳۷۵، **تاریخ طبری**، ترجمه ابو القاسم پاینده، تهران، اساطیر، چ پنجم.
- طبری، محمد بن جریر، ۱۹۶۷، **تاریخ الأمم و الملوک**، تحقیق محمد أبو الفضل ابراهیم، بیروت، دار التراث، ط الثانية.

- فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۳۷۲، ترتیب العین، ، تهران، اسوه، چاپ اول.
- محرمی، غلامحسین، ۱۳۸۵، انصار و گرایش آنان به تشیع، مجله: تاریخ اسلام در آینه پژوهش، شماره ۱۲، ص ۱۹۱ تا ۲۱۲.
- مقدسی، مطهر بن طاهر، ۱۳۷۴، آفرینش و تاریخ، ترجمه محمد رضا شفیعی کدکنی، تهران، آگه، چ اول.
- مقریزی، تقی الدین أحمد بن علی، ۱۹۹۹، إمتاع الأسماع بما للنبي من الأحوال و الأموال و الحفدة و المتاع، تحقیق محمد عبد الحمید النمیسی، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- واقدی، محمد بن عمر، ۱۳۶۹، مغازی تاریخ جنگهای پیامبر(ص)، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، چ دوم.
- یاقوت حموی، شهاب الدین ابو عبد الله، ۱۹۹۵، معجم البلدان، بیروت، دار صادر، ط الثانية.
- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، بی تا، تاریخ الیعقوبی، بیروت، دار صادر.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی